بیانیه در انقلاب شیر و خورشید

چه کسی سخن می‌گوید، از چه کسی چه می‌خواهد و خودش چه باری برمی‌دارد؟

دکتر پیمان بخشایش MD, PhD, MBA

۳ آذر ۱۴۰۵ · ۲۴ نوامبر ۲۰۲۶

دوستان می‌پرسند در این مقطع از انقلاب شیر و خورشید چگونه بیانیه بنویسیم. من پیشنهاد می‌کنم پیش از نوشتن سطر اول، پای برگه را نگاه کنیم. قرار است چه کسی آن را امضا کند؟ اگر فردای انتشار، مادر یک زندانی از من بپرسد «شما که دیشب نام فرزند مرا بردید، امروز برای او چه کردید؟»، چه جوابی دارم؟ به گمان من، بیانیه را باید از همین جواب نوشت.

هدف سیاسی‌ام را روشن می‌گویم. من خواهان پایان جمهوری اسلامی‌ام. کشوری با حدود نودوسه میلیون جمعیت را نمی‌توان گروگان بقای یک حکومت نگاه داشت. برای ایران، تمامیت ارضی، دموکراسی سکولار، انتخابات آزاد و حکومتی می‌خواهم که وزیرش هم در برابر قانون بایستد. از شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری دوران گذار حمایت می‌کنم. او در سخنرانی فرانکفورت مسئولیت خود را به امانت‌داری تشبیه کرد. معنای سیاسی این حرف برای من روشن است. روزی که صندوق رأی آزاد برپا شود، رأی کسی که با من مخالف است درست به اندازهٔ رأی من اعتبار دارد. [۱] [۲]

وقتی زندانی وقت ندارد

در دی‌ماه هزاران تن کشته شدند. شورای حقوق بشر سازمان ملل در نشست ۲۳ ژانویه سرکوب معترضان را محکوم کرد و خواستار تحقیق فوری شد. ماه‌ها بعد، عفو بین‌الملل از اعدام پنج نفر در پرونده‌های همان اعتراضات، تنها در فاصلهٔ ۳۰ سپتامبر تا ۵ اکتبر، خبر داد. سازمان حقوق بشر ایران نیز در ۲۵ آبان گزارش کرد که دست‌کم ۱۲۱ معترض در ارتباط با اعتراضات دی‌ماه به اعدام محکوم شده‌اند. پشت هر حکم، خانواده‌ای هست که نمی‌داند فرصت دیدار دیگری خواهد داشت یا نه. [۳] [۴] [۵]

آمریکا و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ و بار دیگر از ۲۸ فوریهٔ ۲۰۲۶ به ایران حمله کردند. علی خامنه‌ای در حملات فوریه کشته شد. فشار اقتصادی هم سنگین است. روز گذشته، ۲۳ نوامبر، رویترز گزارش داد که پس از برقراری دوبارهٔ محاصرهٔ دریایی آمریکا، صادرات قابل ردیابی نفت خام ایران در ماه‌های اخیر به نزدیک صفر رسیده است. برای حکومتی که سال‌ها دشمنی با آمریکا و اسرائیل را مایهٔ حیثیت خود خوانده، مذاکره هزینهٔ سیاسی دارد. از سوی دیگر، چنان‌که عفو بین‌الملل گزارش داده، مقامات برای تشدید سرکوب به شرایط جنگی استناد می‌کنند. در این میان، زندانی چه کند؟ منتظر نتیجهٔ مذاکرات بماند؟ بیانیهٔ امروز ما باید برای جان او حرفی داشته باشد. [۴] [۶] [۷] [۸]

خطاب به ملت ایران؛ اول از خودمان بگوییم

منِ ایرانیِ خارج از کشور با چه حقی می‌توانم از پشت میز امن خود برای دیگری میزان شجاعت تعیین کنم؟ جان‌فشانی را اول باید در آینه از خودم بپرسم. آیا حاضرم وقت و درآمدم را صرف کاری کنم که نامم در آن دیده نشود؟ اگر فرد دیگری آن کار را بهتر انجام می‌دهد، حاضرم کنار بروم؟ منِ پزشک دست‌کم می‌توانم بگویم چه وقت و تخصصی برای کمک به آسیب‌دیدگان در اختیار می‌گذارم. خانواده هم حق دارد کمک بگیرد و نخواهد عکس یا نامش حتی یک بار منتشر شود. در «شهروند» از همین مسئولیت مشترک نوشتم. [۹]

از مردم می‌خواهیم به آینده امید داشته باشند. این آینده در آبادان برای کارگر نفت چه شکلی دارد؟ مزدش به خانه برسد، بتواند دربارهٔ ایمنی پالایشگاه حرف بزند و با یک اعتراض کارش را از دست ندهد. برای رفتگر شهرداری یعنی اگر سه ماه مزدش عقب افتاد، بتواند از شهردار حساب بخواهد. برای مهندس یعنی طرحش را به اعتبار دانشش بسنجند. برای یک وزیر هم یعنی اگر نتوانست از پس کار بربیاید، صندلی را تحویل دهد. وقتی از ساختن تمدنی آباد حرف می‌زنم، منظورم کشوری است که این چهار نفر بتوانند کنار هم زندگی کنند و هیچ‌کدام برای گرفتن حق خود به تملق دیگری محتاج نباشد.

برای چنین فردایی کار کارشناسی هم شده است. «پروژهٔ شکوفایی ایران» در ویرایش اسفند ۱۴۰۴ کتابچهٔ مرحلهٔ اضطراری، برای ۱۸۰ روز نخست پس از سقوط جمهوری اسلامی پیشنهادهایی ارائه کرده است. برای خانواده‌ای که پدرش دیالیز می‌شود، گذار از همان صبح اول آغاز می‌شود. برق مرکز درمانی برقرار می‌ماند؟ دارو می‌رسد؟ بیانیه‌ای که از آمادگی برای ادارهٔ کشور حرف می‌زند، باید بتواند یک گوشه از این برنامه را برای همان خانواده توضیح دهد و نقدش را هم بشنود. [۱۰]

خطاب به جهان؛ مخاطب را به اسم صدا بزنیم

«از جهانیان می‌خواهیم سکوت نکنند» را بارها نوشته‌ایم. شورای حقوق بشر جلسه گذاشته و قطعنامه هم صادر کرده است. حالا از چه کسی چه می‌خواهیم؟ از وزیر خارجه‌ای که با مقام‌های جمهوری اسلامی دیدار دارد می‌توان خواست توقف اجرای احکام معترضان را صریحاً در آن دیدار مطرح کند و بگوید چه پاسخی گرفته است. از هیئت حقیقت‌یاب می‌توان خواست شهادت خانواده‌هایی را که خود مایل‌اند بشنود و محرمانگی اسنادشان را حفظ کند. نامه‌ای با یک مخاطب و یک خواستهٔ روشن را می‌توان هفتهٔ بعد پی گرفت. از «جهانیان» نمی‌توان رسید گرفت.

استقلال سیاسی اینجا معنا پیدا می‌کند. می‌توان از آمریکا، اسرائیل و دولت‌های اروپایی یاری خواست و هم‌زمان روشن گفت که اختیار تعیین حکومت آینده با شهروند ایرانی است. ما نمی‌دانیم در اتاق مذاکره چه خواهد گذشت. قول سقوط قریب‌الوقوع دادن به مردمی که کرایهٔ خانهٔ آخر ماهشان مانده، چه کمکی می‌کند؟ عددی هم که نتوانیم از آن دفاع کنیم، به حکومت فرصت می‌دهد به همان یک خط بچسبد و از پاسخ دربارهٔ اصل جنایت بگریزد.

پیش از امضا و پس از انتشار

اگر بیانیه از سوی یک انجمن صادر می‌شود، نخست اعضای همان انجمن باید بدانند چه کسی متن را پیشنهاد کرده، چه کسانی آن را تصویب کرده‌اند و چه کسی پاسخ می‌دهد. امضای ده نفر را پای عقیدهٔ ده نفر بگذاریم. عنوان «ملت ایران» را خرج بلندتر شدن صدای خودمان نکنیم. در «ضرورت نظم در جنبش شیر و خورشید» دربارهٔ اختیار سخنگو نوشتم و در «در نقد قدرت» از خطری گفتم که خود ما پادشاهی‌خواهان باید زودتر از دیگران ببینیم. اگر رساندن خبر بد به شاهزاده بی‌وفایی شمرده شود، چاپلوس در را می‌بندد و آدم صادق پشت در می‌ماند. [۱۱] [۱۲]

تندیِ بیانیه همین‌جاست که عامل سرکوب را به نام بخوانی، سندت را نشان بدهی و درخواست توقف اجرای حکم را تا گرفتن پاسخ پی بگیری. پیش‌نویس را به کسی بده که با تو اختلاف دارد. بپرس کدام جمله مبهم است و کدام وعده از اختیار امضاکنندگان بیرون. تاریخ و راه تماس عمومی را زیر متن بگذار. اگر سند تازه‌ای اشتباهت را نشان داد، اصلاحیه را همان‌جا منتشر کن. اگر وعدهٔ گزارش هفت‌روزه داده‌ای و پاسخی نگرفته‌ای، روز هفتم بنویس چه کردی و چه کسی پاسخ نداد. این بخش از کار معمولاً کف و تشویق ندارد. اعتبار جنبش از همین‌جا می‌آید. [۱۳]

دو نمونه برای نوشتن

این دو بند نمونه‌اند. هر جمعی که بخواهد از آن‌ها استفاده کند باید نخست مطمئن شود که می‌تواند تعهد پای امضایش را انجام دهد.

نمونهٔ خطاب به مردم ایران

> «هم‌میهنان، ما امضاکنندگان خواهان پایان جمهوری اسلامی و برگزاری انتخابات آزاد در ایرانی یکپارچه و سکولاریم. امروز مسئولیت مشخصی می‌پذیریم. درخواست خانواده‌های معترضان محکوم به اعدام را، به انتخاب خودشان، به وکلا و نهادهای حقوق بشری می‌رسانیم. نام و تصویر هیچ‌کس را بی‌اجازه منتشر نمی‌کنیم. هفت روز دیگر از همین راه گزارش می‌دهیم که چند درخواست را پی گرفته‌ایم و کدام‌یک هنوز بی‌پاسخ مانده است. هر خانواده خودش تصمیم می‌گیرد که آیا به این پیگیری نیاز دارد.»

نمونهٔ خطاب به جامعهٔ جهانی

> «خطاب به وزیران خارجهٔ کشورهایی که با مقام‌های جمهوری اسلامی گفت‌وگو دارند. سازمان حقوق بشر ایران در گزارش ۱۶ نوامبر از دست‌کم ۱۲۱ معترض محکوم به اعدام خبر داده است. از شما می‌خواهیم توقف فوری اجرای این احکام و دسترسی محکومان به وکیل مستقل را در نخستین تماس رسمی مطرح کنید و نتیجهٔ پیگیری را علناً گزارش دهید. ما امضاکنندگان، هفت روز پس از ارسال این درخواست، پاسخ‌های دریافتی را منتشر می‌کنیم. خانواده‌ها دربارهٔ انتشار اطلاعات شخصی خود تصمیم می‌گیرند.» [۵]

آنچه پای برگه می‌ماند

دوست دارم کسی که در ایران بیانیهٔ ما را می‌خواند، بتواند روزی به فرزندش بگوید در سخت‌ترین سال زندگی‌اش، آدمی از آن سوی دنیا اسم او را برای گرفتن مقام خرج نکرد. اگر امروز بر سر نزدیک‌ترین صندلی به قدرت رقابت کنیم و از مردم بخواهیم برایمان فداکاری کنند، چه چیزی از پیمان میان ما باقی می‌ماند؟ من از فردای ایران انتظار دیگری دارم. می‌خواهم بچه‌های ما برای دوست داشتن همدیگر، برای ساختن و برای خدمت به کشورشان آزاد باشند. اولین کاری هم که از دستمان برمی‌آید همین امروز ممکن است. زیر قولی را امضا کنیم که فردا حاضر باشیم پیش چشم همان مردم حسابش را پس بدهیم.

منابع و نوشته‌های مرتبط

۱. صندوق جمعیت سازمان ملل، گزارش جمعیت جهان ۲۰۲۶، جدول شاخص‌های جمعیتی؛ برآورد ایران ۹۳٫۲ میلیون نفر.

۲. بنیاد فریدریش ناومان، متن سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی هنگام دریافت جایزهٔ آزادی در فرانکفورت، انتشار ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶.

۳. دفتر سازمان ملل در ژنو، گزارش نشست ویژه و قطعنامهٔ شورای حقوق بشر دربارهٔ اعتراضات ایران، ۲۳ ژانویهٔ ۲۰۲۶.

۴. عفو بین‌الملل، گزارش اعدام پنج نفر در پرونده‌های اعتراضات دی‌ماه در فاصلهٔ یک هفته، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶.

۵. سازمان حقوق بشر ایران، «دست‌کم ۱۲۱ معترض محکوم به اعدام»، ۲۵ آبان ۱۴۰۵ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۶).

۶. کتابخانهٔ مجلس عوام بریتانیا، «ایران در ۲۰۲۶»، مرور حملات ژوئن ۲۰۲۵ و فوریهٔ ۲۰۲۶، ۲ مارس ۲۰۲۶.

۷. رویترز، گزارش کشته‌شدن علی خامنه‌ای در حملات ۲۸ فوریهٔ ۲۰۲۶.

۸. رویترز، گزارش محاصرهٔ دریایی و صادرات قابل ردیابی نفت خام ایران، ۲۳ نوامبر ۲۰۲۶.

۹. پیمان بخشایش، «شهروند»، ویرایش تکمیلی، ۲ آذر ۱۴۰۵.

۱۰. پروژهٔ شکوفایی ایران، «کتابچهٔ مرحلهٔ اضطراری»، ویرایش اسفند ۱۴۰۴، برنامهٔ پیشنهادی ۱۸۰ روز نخست.

۱۱. پیمان بخشایش، «ضرورت نظم در جنبش شیر و خورشید»، ۳۰ آبان ۱۴۰۵.

۱۲. پیمان بخشایش، «در نقد قدرت»، به‌ویژه بخش «چاپلوسی و بازی تاج‌وتخت»، ۲ آذر ۱۴۰۵.

۱۳. پیمان بخشایش، «هنر دیالوگ و رتوریک در دل جنبش شیر و خورشید» (اوت ۲۰۲۶) و «جنبش ملی شیر و خورشید و رد فرهنگ فحاشی و تهدید» (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۶)، بایگانی نویسنده.